مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم/شماره چهارم/پاییز ۱۳۹۱
Journal of Iranian Social Development Studies 2012 (autumn), Vol. 4, No.4

تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار

دکتر سروش فتحی[۱]

چکیده

فضاهای مسکونی محله های شهری، محیط های اجتماعی که در بستر زمان و مکان با رشد و توسعه شهرها دچار دگرگونی و تغییرات اساسی شده اند. هنوز هم به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات اولیه مردم ایفا می کنند از اهمیت خاصی در شکل دهی و پایداری روابط اجتماعی برخوردارند. نوع شبکه روابط اجتماعی در بین اقشار مختلف اجتماعی شهرنشین با سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خاص، سیاسی و مکانی متفاوت است یعنی سلسله نظام شکل گرفته از عوامل فوق انواع متفاوتی از روابط اجتماعی را ایجاب می کند. هدف مطالعه حاضر بررسی چگونگی روابط اجتماعی در فضای شهری می باشد. شیوه رجوع به واقعیت در این تحقیق روش کیفی(اسنادی) است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که فضای شهری مدرن با گذر زمان و دگرگونی مکان(فضاهای شهری) بر شبکه روابط اجتماعی تأثیرگذاشته است که این تأثیرگذاری به واسطه ورود تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بوده است. و روابط اجتماعی پایدار محصول فضای شهری پایدار است.

کلید واژه ها: فضای شهری، شبکه روابط اجتماعی، محله های شهری، کنش اجتماعی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/٤/۸ **تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/٦/۲۷**

Archive of SID

[۱] . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار،گروه علوم اجتماعی،گرمسار، ایران Fathi_soroush@yahoo.com

www.SID.ir

مقدمه و بیان مسأله

شهرهای بزرگ جهان در عصر جدید به محل تراکم و رشد جمعیت، محل تبادل کالا، اشیاء و اطلاعات تبدیل گشته‌اند، مجموعه این عوامل باعث بروز مسائل و مشکلات، افزایش دامنه نابرابریهای اجتماعی و فقر و بزهکاری، تنزل ارزشها و حتی تغییراتی در هنجارها، ارزشها و رفتارهای اجتماعی افراد نسبت به گذشتگان خود موجب شده که مجموعه فوق و عوامل دیگری بوجود آورند که انسان شهری در چارچوب محدودتر و در جمع نسبتاً کوچکتری از کل جامعه شهری زندگی نماید و تنها در جمع محدودتری که یکدیگر را می‌بینند، و نسبت به هم توجه دارند عمر خود را سپری نمایند. اینها همگی تاثیر شهر بر انسان است که دست یافتن بدان مستلزم شناخت و درک چگونگی تاثیر فضای زندگی شهری بر شبکه‌های روابط اجتماعی افراد است. محدودیت این روابط و تنزل موقعیت این شبکه روابط اجتماعی موجب نگرانی بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی بوده و بعضاً مطالعات و تحقیقاتی نیز در باره این تحول صورت گرفته است.

اهمیت همبستگی روابط در جامعه امروزی بیش از همیشه آشکار شده است چرا که جوامع بشری امروزه به سبب رشد و توسعه کمی و کیفی روزافزون که به پدید آمدن شهرهای بزرگ و پرجمعیت منجر شده، با مسائل تازه ای مواجه هستند که از فراوانی و تراکم نامتجانس و ناهمگونی شهرها، فاصله اجتماعی بین انسان هارا علی رغم نزدیکی فیزیکی روزبه روز بیشتر نموده و به همراه آن میزان همبستگی، ارتباط و توجه افراد نسبت به یکدیگر کاهش می یابد. روابط سنتی نیز از جمله روابطی است که در شهرها دچار تزلزل می شود؛ افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل و نقل و ارتباطات شهری در ارتباط متقابل وتنگاتنگ با دوعنصر تراکم وتحرک جمعیت می باشد که معلول رشد جمعیت شهرنشین ورشد شهرهاست و موجب جایگزینی روابط غیرمستقیم و ثانوی به جای روابط مستقیم و چهره به چهره انسان های شهرنشین شده است. همچنین اکثر تحقیقات انجام شده حاکی از سطحی شدن روابط سنتی درجوامع شهری است. روابط سنتی هر چند به موازات شهرنشینی دچار تحول و دگرگونی شده است اما هنوز هم به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات نخستین مردم ایفا می کند از اهمیت خاصی برخوردار است. نوع روابط سنتی در بین قشرهای مختلف اجتماعی با سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی متفاوت خواهد بود یعنی پایگاه های اجتماعی متفاوت انواع متفاوتی از روابط را ایجاب می کند.

یکی از وظائف مستمر و مداوم جامعه‌شناسی لزوماً باید آشکار ساختن ابعادی از زندگی اجتماعی باشد که در زیر پوششی از معرفت عام در مورد جهان مخفی مانده است. در این طریق، گاهی تصورات خاص بکلی نفی می‌شود، گاهی نیز موضوعی منقح‌تر و روشن‌تر می‌گردد. تردیدی نیست که کمرنگ شدن ارتباطات دوستانه همسایگی بعنوان تضعیف سنتی مطلوب و تخریب یک "نهاد" اجتماعی با کارکردهای مثبت و مفید متعدد، برای جامعه بشری عموماً و در کشورما بخصوص، ضایعه‌ای جبران ناپذیر خواهد بود.

بی شک یکی از مهمترین پیامدهای زندگی شهری مدرن و به عبارتی فضاهای شهری مدرن، دگرگونی و تحول در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است. در این بین ظهور شبکه های اجتماعی مجازی، به عنوان مهمترین و تأثیرگذارترین این تکنولوژی به حساب می آید. در ایران در مورد شبکه‌های اجتماعی و قدرت آن زیاد شنیده‌ایم اما کمتر در مورد آن مطالعه تجربی و همه جانبه‌ای صورت گرفته است. روابط اجتماعی انسان‌ها تاثیر زیادی بر روحیه، گرایش سیاسی، سر زندگی سیاسی و اجتماعی و حتی روابط عشقی ما دارند. نه فقط دیگران ما را متاثر می‌سازند بلکه ما هم آنها را متاثر

Archive of SID

www.SID.ir

ساخته و زندگی آنها را شکل می‌دهیم. در گستره‌ی سیاست و جامعه، بسیاری شبکه‌های اجتماعی را بسان بدیل و جایگزین سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی می بینند. نا امید از شکل‌گیری احزاب، اتحادیه‌های صنفی و نهادهای مدنی، آنها چشم امید به شبکه‌های اجتماعی دوخته‌اند تا مردم بتوانند بدون پرداخت هزینه‌ی قابل توجهی گرد خواستها و اهداف معینی جمع شوند.

در سال‌های اخیر تا حد زیادی جو بسیار سنگین و مشکوکی نسبت به شبکه‌های اجتماعی بوجود آمده است و همین شرایط باعث شده تا نوعی «فوبیا» یا هراس بیمارگونه روانی نسبت به آن ایجاد شود که در اثر آن «شک و تردید» و دیدن «خطر» در همه جا ایجاد شده است. فوبیا بیش از هر کجا در جایی ما را به وحشت می‌اندازد که کمترین شناخت را از آن داشته و کمترین کنترل را نیز داشته باشیم دو شرطی که محیط مجازی هر دو را دارد. نه ما و نه هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که شناختی کامل از شبکه دارد زیرا بنابر تعریف، این نوعی فناوری است که بر اساس ابهام و همچون یک اَبر مبهم و نوعی نظام فازی ابداع و رشد کرده است و اشراف بر آن وجود ندارد. امروز می‌بینم که بزرگترین قدرت‌های که خود این شبکه را تاسیس و مراکز اصلی آن را در دست دارند، گاه از برخورد با تروریست‌ها روی آن ناتوانند، این حاصل عدم شناخت است. عدم توانایی به کنترل کامل و کاهش نسبی این کنترل‌ها نیز به نظر جزیی لاینفک از رشد و توسعه شبکه‌های مجازی است(فکوهی، ۱۳۹۰).بر این اساس یکی از مهم‌ترین وجوه عملکرد شبکه‌های اجتماعی، تاثیرات منفی و مثبت آنها در عرصه اجتماعی است. به همین سبب نقش شبکه‌های اجتماعی در زندگی، بویژه تاثیر این پدیده در روابط اجتماعی بایستی مورد توجه محققان قرار گیرد. با توجه به مطالبی که گفته شد، مسأله این مطالعه عبارت است از؛ رابطه بین فضای شهری مدرن و روابط اجتماعی چگونه است؟ آیا فضای شهری مدرن روابط اجتماعی را متحول و دگرگون ساخته است؟

ملاحظات نظری

انسانها با برقراری روابط اجتماعی در محیط های شهری در صدد پاسخ گویی به نیازهای انسانی و اجتماعی یکدیگرند. فضای شهری که در برگیرنده فضای انسان ساخت است جهت برقرای روابط اجتماعی یا عاطفی است(رابطه دوستی، خویشاوندی و رابطه همسایگی) یا عقلانی است(که در جستجوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدفی است)یا سنتی است(بر مبنای سنت ها و اعتقادات شکل می گیرد). این روابط اجتماعی در یک ارگانیزم زنده ای به نام شهر که خود از فضاهای مختلفی از جمله خیابان، پارک،محله و... تشکیل شده است، شکل می گیرد. بنابر این زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می شود که این موضوع توسط اندیشمندان حوزه مختلف علوم از منظر خود مورد بررسی قرار داده اند در این نگارش به حوزه های مورد مطالعه شهری، جامعه شناسی، جغرافیا و روان شناسی اشاره مختصری شده است تا مسیر بحث در این مهم مد نظر پژوهشگران و محققین قرار گیرد.

فردیناند تونیس۱(۱۸۵۵-۱۹۳۶)،جامعه شناس آلمانی معاصر با وبر وسومبارت، پرسمان شهرنشینی را درگذاری مشاهده می کند که خود در کتاب معروفش با عنوان اجتماع وجامعه ارائه داده است . این گذار همچون در مارکسیسم بر رابطه روستا-شهر تأکید می کند، اما برخلاف آن، لزوماً بر محوریت اقتصاد ونوع مبادلات کالایی در این گذار تأکید نکرده بلکه بیشتر بر تغییر روابط اجتماعی دراین فرایند انگشت می گذارد. «اجتماع» (گماینشافت) در دیدگاه تونیس بر روستا یا شکل زیستی و سازمان یافتگی پیش از شهر انطباق دارد که مهم ترین مشخصات آن عبارتند از:

Archive of SID

www.SID.ir

۱. وجود خانواده یا گروه خویشاوندی به مثابه واحد پایه ای سازمان اجتماعی؛۲.تبلور کنترل اجتماعی از خلال روابط خانوادگی یا همسایگی؛۳. انسجام اجتماعی بر پایه روابط اجتماعی که خود به صورت روابط شخصی، عاطفی و صمیمی تعریف می شوند.

برعکس، «جامعه»(گزلشافت) با شهر وشهرنشینی انطباق دارد و مهم ترین مشخصات آن عبارتند از :

۱. ظهور اشکال جدید ساختاری در سازمان اقتصادی؛ ۲.روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت وخالی شدن این روابط از روابط شخصی، عاطفی وصمیمی؛ ۳.سطحی شدن کنش های متقابل اجتماعی؛۴.وابستگی افراد به نهادها ازخلال پیوندهای صوری؛

۵.کنترل اجتماعی افراد ازخلال کمک های نهادی .

تونیس دو مفهوم اجتماع و جامعه را بریک پایه روان شناختی استوار می کند که بردو نوع اراده اجتماعی تکیه می زنند: اراده ارگانیک در اشکال غیر شهری، و اراده عقلایی در اشکال شهری. اراده ارگانیک به موجودیت زیستی فرد تکیه می زند و خود را درلذت،عادت و خاطره متبلور می کند، در حالی که ارادهٔ عقلایی نوعی «حاصل اندیشه» است که در اندیشه و تصمیم فردی متبلور می شود و اراده ای است برای برونی کردن (یا فرافکنی بیرونی) فرد. اجتماع بر پایه خانواده و اقتصاد خانوادگی با واحد خانوار روستایی قرار دارد و اخلاق آن، بر روابط خونی،دوستی واعتقادات استوار است یعنی در مجموع همواره و به صورتی عام رو به سوی «خود» و «درون» دارد. درحالی که جامعه با ایجاد تمایز ارگانیک در میان افراد وکالاها، تنها معیار و وسیلهٔ روابط اجتماعی را «مبادله» مبتنی بر «قرارداد» می کند یعنی در مجموع روبه سوی «دیگری» و«برون» دارد. بنابراین، شهرنشینی فرایندی است که عقلانیت مبادله را جایگزین اخلاق رابطه می کند(فکوهی،۱۳۸۶ :۱۷۶).

گئورگ زیمل[۲] (۱۸۵۸-۱۹۱۸) جامعه شناس آلمانی به فضایی که در آن زندگی مدرن جریان داشت علاقه مند بود، و به این دلیل به ویژه به شهر علاقه داشت، زیرا جامعه مدرن در اصل در مادر شهر شکل گرفت وبه عمیق ترین وکامل ترین صورت در آن جا تکامل یافت. زیمل نخستین جامعه شناس زندگی شهری مدرن بود که به مسأله تفاوت های زندگی شهری وغیر شهری پرداخته است؛ اگرچه دیگر معاصرانش مانند وبر و فوتسل دکولانژ به گونه ای موشکافانه درباره شهر مطالبی نوشته بودند. زیمل مانند وبر علاقه به وقت شناسی،محاسبه پذیری و دقت را ناشی از نیروهای جهان مدرن می دانست . او می گفت درشهر تأکید بیشتری بر عقلانیت می توان یافت، زیرا عقل جانشین سنت و کنش عادتی،عامل اصلی در هدایت هرروزه می شود. زیمل همانند وبر، از تهدیدی که فرهنگ مدرن - با تأکید بر عقلانیت ابزاری - متوجه استقلال فرد می کرد ابراز نگرانی می کرد. با وجود این، زیمل آرزوی بازگشت به کلیت نظام مند جوامع سنتی را در سر نمی پرورانید، زیرا درک می کرد که جامعه مدرن به گونه ای ریشخند آمیز، هم فرد گرایی را امکان پذیر می سازد و هم به تضعیف آن کمک می کند.

او مشتاقانه به جست وجوی شیوه هایی پرداخت که افراد به کمک آن ها نمی گذارند زندگی مدرن آنان را در خود غرق کند . مثلاً زیمل خودداری شهرنشینان -یا بی اعتنایی آنان- را پاسخی به غرقه سازی روان به وسیله انواع انگیزه های پیوسته متغیر می دانست که در غیر این صورت فرد به سادگی در زندگی مدرن غرق می شد . آن چه را که برخی سردی

Archive of SID

www.SID.ir

یا بی اعتنایی شهرنشینان می انگاشتند، او وسیله ای ضروری برای حفاظت درمقابل تهدید شدن فردیت می دانست(کیویستو،۱۳۷۸).

زیمل شهرهای بزرگ (متروپل ها) را محیطی می داند که محرکه های بسیار متنوعی برای انسان ایجاد می نماید که هیچ فردی نمی تواند به تنهایی به همه آن ها پاسخگو باشد . وبه دلیل تنوع همین محرکه های محیطی، انسان شهرنشین به آگاهی وتیزهوشی بیشتری نیازمند است، و بالاجبار با مغز خود به چنین محرکه هایی پاسخ می دهد و نه با قلب خویش . زیمل انسان شهری را انسانی آزاد می داند و روستایی را اسیر تعصبات سنتی خود می پندارد. زیمل تقسیم کارپیچیده در شهرهای بزرگ را موجد وسعت دامنه کارکردهای آن و بارز شدن نقش تخصص در زندگی شهری می داند و معتقد است همین مسأله باعث کاهش شدید فرصت های شهرنشینان برای ایجاد تماس های نزدیک و عاطفی با دیگران وخود محوری شهریان می شود(صدیق،۱۳۸۳).

امیل دورکیم[۳](۱۸۵۸-۱۹۱۸) ویژگی همبستگی مکانیکی را در جماعتی می بیند که تفاوت اعضاء آن بسیار کم باشد وافراد متفقاً در جهت رفاه عموم فعالیت نمایند. چنین جامعه ای البته سنتی است و منزلگاه مجموعه افرادی است که همگونی اخلاقی وذهنی دارند و عقاید، اندیشه ها و شیوه های رفتاری آن ها همانند است وهمانندی احساسات ایشان نمایشگر حیات جمعی است.

به نظر دورکیم در جامعه شهری همبستگی از نوع منفی است .یعنی افراد شهرنشین به طور قراردادی تعهد می کنند که اعمال خاصی رانسبت به یکدیگر انجام ندهند.مجموعه قراردادهای اجتماعی شهری وضعیتی به وجود می آورد که کارکردهای مختلف در جامعه، درحالات وشرایط گوناگون هماهنگی وهمسازی داشته باشند. در این جا افراد به بخش های مختلف جامعه وابسته اند وهمین موضوع آن ها را به کل جامعه وابسته نگه می دارد(صدیق،۱۳۸۳).

تمایزپذیری اجتماعی، نمود خاص جوامع جدید، شرط آفریننده آزادی فردی است فرد فقط در جامعه ای که درآن وجدان جمعی بخشی از صلابت چیره کننده خویش را از دست داده است می تواند نوعی استقلال رأی وعمل داشته باشد.در چنین جامعه ای فردگرایی، مشکل عمده عبارت است از حفظ حداقل وجدان جمعی،که اگر به کلی از بین برود همبستگی اندامی به تجزیه وتلاش اجتماعی خواهد انجامید. سهم وجدان جمعی در وجدان های فردی، مهمتر از آن است که ما معمولاً تصورش را می کنیم ؛ بقای جامعه برخوردار از تمایزپذیری اندامی بسته به آن است که خارج از قلمرو قراردادها یا برفراز آن ها، فرمان ها، ممنوعیت ها، ارزش ها و مقدسات جمعی وجود دارند که عامل پیوند اشخاص با کل اجتماع می شوند(آرون،۱۳۷۷).

در تقسیم کار اجتماعی دورکیم همبستگی مکانیکی را وابستگی و تبعیت افراد از یکدیگر به دلیل شباهت های میان آن ها (تجانس اجتماعی) و بر اساس اصل تقلید می داند، درحالی که همبستگی ارگانیکی را وابستگی و تبعیت افراد از یکدیگر به دلیل تفاوت های آن ها (عدم تجانس اجتماعی) براساس اصل تکمیلی بودن کارکردها ونقش های آن ها در یک نظام اجتماعی ارزیابی می کند.

پدیده شهری در اینجا خود را به صورت تراکم افراد در محیط شهری شده و افزایش روابط میان آن ها متبلور می کند که تفاوت یابی میان آن ها وتقسیم کار میان آن ها را ناگزیر می سازد(تغییر اجتماعی).مضامین اصلی مورد بحث دورکیم در جامعه مدرن شهری عبارتند از:

Archive of SID

www.SID.ir

۱.آگاهی جمعی (اشتراک افراد در مجموعه ای از باورها واعتقادات که دریک جامعهٔ مفروض سبب همبستگی اجتماعی می شود)؛

۲.تعیین کنندگی نوع جامعه بر رفتارهای فردی اعضای آن؛۳.نابرابری نیروهای جمعی در آگاهی های فردی بنابرنوع جامعه(فکوهی،۱۳۸۶:۱۷۸).

لویس ورث[۴](۱۸۹۷-۱۹۵۲) در مقاله معروف خود (شهر گرایی به عنوان شیوه ای از زندگی) شهر را چنین تعریف کرده است : جایگاه نسبتا بزرگ متراکم ودایمی که به لحاظ اجتماعی،فرهنگی ناهمگونند (ریتزر، ۱۳۷۴ : ۱۵۰).وی مردمان شهرنشین را در قیاس با روستانشینان کسانی می‌داند که در روابط خود سطحی بوده و به شیوه‌های خشن، گستاخانه و شتاب‌زده عمل می‌کنند .شهرنشینان به قول ورث خودخواهند و نسبت به نیازهای دیگران بی‌توجه هستند . آنها از کمک کردن به دیگران گریزان بوده و بیشتر در رقابت با یکدیگر به سر می‌برند که ناشی از نبود علقه‌های احساسی و عاطفی است(صدیق،۱۳۸۳:۲۱).

شهر، اثرات متعددی برسکنه خود خواهد داشت که ذیلا بعضی به اختصار ذکر شده:

۱- جمعیت زیاد و تراکم شهر معمولا تفاوت های فردی را افزایش می دهد. افزایش تعداد جمعیت وقتی جغرافیا (فضا) ثابت باشد موجد تفاوت و تقسیم کار بین افراد است .

۲- جمعیت زیاد ومتراکم شهر، موجب جداسازی گروه های اجتماعی براساس ویژگی های عمومی ایشان مثل رنگ قومیت ومنزلت اجتماعی- اقتصادی می شود.

۳- شهر نشینی که موجب تقطیع زندگی خصوصی فرد وغیر عاطفی شدن روابط انسانی می شود. جمعیت زیاد و تراکم مانع می شود که آدمی همچون شخصیتی کامل با دیگران ارتباط برقرار کند . البته منظور این نیست که شهریان معاشرت کمتری دارند بلکه برعکس حاکی از این موضوع است که با وجود معاشرین زیاد تر وتواتر بیشتر تعامل با دیگران، نسبت افراد آشنا در این میان کمتر است . به بیان دیگر، با قرابت فیزیکی با دیگران در فضای متراکم شهر موجب بعد فاصله اجتماعی بین اشخاص می شود. ورث مدعی است که تماس های شهریان با یکدیگر ممکن است چهره به چهره هم باشد، اما به هر حال سطحی،زود گذر، جزئی و غیر عاطفی است .

۴- شهر نشینی انسان را پیچیده وعقلگرا می کند. زندگی شهری، بسیار متغیر است وهرلحظه انسان را با محرکه های متنوع و تعارضات اجتماعی متعدد مواجه می سازد، به همین دلیل شهرنشین باید تحلیل کننده وانتخاب گر باشد.

۵- زندگی شهری ابزار رسمی کنترل اجتماعی را جایگزین ابزار غیر رسمی آن می کند، جماعت عظیم شهریان مکانیسم رقابت و کنترل رسمی وانتخاب نماینده را جانشین وجدان عمومی می سازد.

نتیجه آن که فشار،بیگانگی، فردگرایی ومخصوصا نابسامانی اجتماعی پدیده های شهری اند. شهر گرایی در سطح روان شناختی، نظام عصبی را تهدید می کند و نهایتا به جدایی افراد از یکدیگر می انجامد و در سطح ساختار اجتماعی تقسیم کار را به وجود می آورد که آن نیز، خود به انزوای افراد منجر می شود. البته جامعه ای که درآن روابط متقابل اجتماعی بی رنگ باشد، آزادی فردی بیشتر تامین می شود. اما همین جامعه با نظام اخلاقی سستی نیز مواجه خواهد بود و این سستی باعث ایجاد شکاف اجتماعی و اختلالات شخصیتی می شود.

Archive of SID

www.SID.ir

هربرت گنز[۵] که مهمترین جایگاه را در میان ترکیب‌گرایان دارد، معتقد است که در شهر شیوه‌های مختلف زندگی وجود دارد و این اختلاف شیوه‌ها و گوناگونی زندگی شهری بیشتر به عوامل غیر اکولوژیک مانند :سن، جنس، درآمد، سطح سواد و یا قومیت افراد بستگی دارد و عوامل اکولوژیکی مخصوصاً اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروه‌های شهری هیچ گونه عارضه مستقیم و تاثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد.به نظر وی برای گروه‌های خویشاوند و حلقه‌های دوستان فرقی ندارد که جمعیت اطراف ایشان صد نفر باشد یا صد هزار نفر، یعنی علیرغم آنچه جبرگرایان مدعی‌اند، اندازه و تراکم جمعیت شهری و ناهمگونی فرهنگی گروه‌های شهرنشین، نوعی انسان منحصر بفرد و خاص پرورش نمی‌دهد(صدیق،۱۳۸۳:۳۳).

هنری سامنر مین[۶] (۱۸۲۲-۱۸۸۸) حقوق دان انگلیسی بر تقابل جوامع سنتی با روابط اجتماعی مبتنی بر«جایگاه» و جوامع مدرن مبتنی بر «قرارداد» تأکید می کرد. از یک سو صوری گرایی نهادهای باستانی، مالکیت غیر قابل تعویض، حقوق خانوادگی پدرسالارانه والزامی که از طریق زایش یا تعلق به یک گروه حاصل می شود، و از سوی دیگر تجارت برزمین، تحرک، مبادلات مبتنی بر ثروت که از طریق قراردادهای دوجانبه به وجود می آیند(فکوهی،۱۳۸۶:۱۷۹).

مین معتقد بود که سنگ بنای جوامع اولیه خانواده بود،اما به مرور وضع تغییر یافت وطبیعت روابط اجتماعی روبه فساد نهاد؛ خانواده مضمحل گردید وفرد به عنوان واحد بنیادین جامعه مدرن به صحنه آمد و جانشین خانواده شد.وی استدلال می کرد که فرد بدون درک نظام اجتماع اش نمی تواند قانونی جامعه خود را درک کند . او با تکیه بر تمایز دو نوع پایگاه (یعنی اکتسابی وانتسابی) در صدد توضیح گوناگونی جوامع دوره های مختلف است. به نظر مین، درزمان های گذشته، جامعه صرفاً مجموعه ای از افراد نبود؛ بلکه جامعه اجتماعی از خانواده ها بود.بنابراین موقعیت اشخاص در جامعه متکی بر مبنای خانوادگی فرد است د رچنین جامعه ای سنت آن قدر قدرت دارد که مشکلات زندگی نه برمبنای اصول وعقاید علمی بلکه بادخالت تجارت نسل های گذشته یا سنت مرتفع می شود. اما در جامعه مدرن، افراد خصوصی جای خانواده را گرفته اند. هر چند موقعیت فرد درجامعه مدرن تحت تأثیر خانواده قراردارد، اما این رابطه اولاً غیر مستقیم است وثانیاً موقعیت فرد وابسته به شایستگی ها ومهارت هایی است که در نظام آموزشی کسب کرده است . به نظر مین قرارداد عنصر اساسی جامعه مدرن است و در واقع این نوآوری انقلاب اجتماعی شگرفی است(صدیق،۱۳۸۳).

کارل مارکس**۷**(۱۸۱۸-۱۸۸۳) و فردریش انگلس**۸**(۱۸۲۰-۱۸۹۵): شهر صنعتی برای مارکسیسم عرصه اساسی تبلور نظام سرمایه داری ومیدان اصلی نبرد برای پیروزی زحمتکشان صنعتی (پرولترها) برای سرنگون کردن نظام سرمایه داری به حساب می آمد. به همین دلیل تأکید انگلس برگستره فقر شهری و وضعیت نامطلوب طبقه کارگر را باید در چارچوب تمایل شدید مارکسیسم به سامان دادن به حرکات انقلابی و پایان دادن به نظام بهره کشی سرمایه داری قرار داد(فکوهی،۱۳۸۶:۱۶۹).مارکس وانگلس براین اعتقاد بودند که شهری شدن جدید گامی در جهت انقلاب است،زیرا شهر مکانی است که کارگران به شکل توده های عظیم در آن متمرکز می شوند وامکان پیدایش روابط اجتماعی جدیدی فراهم می آید، جایی که طبقه کارگر می تواند سازمان یابد وبه آگاهی دست یابد.(مارکس وانگلس به نقل از ممتاز، ۱۰۵:

ماکس وبر**۹**(۱۸۶۴-۱۹۲۰) در جامعه شناسی خود به شدت بر رویکرد تاریخ شناسی تطبیقی اتکا دارد و اثر معروف اودرباره شهر که در آن به مقایسه میان شهرهای تاریخی شرقی، رومی،قرون وسطایی وغیره به ویژه از نقطه نظر اقتصاد

Archive of SID

www.SID.ir

اجتماعی پرداخته است،نمونه گویایی از این رویکرد به شمار می آید. با وجود این، موضوع «شهر صنعتی» را در آثار وبر باید در رویکردی گسترده تر مورد توجه قرار داد که به پرسمان عمومی وبر دربارهٔ جامعهٔ صنعتی مربوط می شود. در این پرسمان شهرنشینی از دیدگاه وبر با فرایند صنعتی شدن وعقلایی شدن دیوان سالارانه جوامع مدرن انطباق دارد.

این رویکرد را وبر در اثر معروف خود اخلاق پروتستان وروح سرمایه داری(۱۹۰۴) که اثری پایه گذاردر درک جامعه سرمایه داری نوین است عرضه می کند. دراین کتاب وبر جامعهٔ صنعتی یا سرمایه داری را درگسستی اساسی با جوامع سنتی پیش ازخود می داند. گسستی که بیش از هر چیز برسازمان یافتگی اجتماعی متکی است.

دیوید هاروی[۱۰] تأکید می کند که شهرنشینی یکی از جنبه های محیط مخلوق است که در اثر گسترش سرمایه داری صنعتی به وجود آمده است. درجوامع سنتی، شهر وروستا به روشنی متمایز شده بودند. درجهان امروزی صنعت جدایی میان شهر وروستا را مبهم می سازد. کشاورزی ماشینی می شود و صرفاً بر طبق ملاحظات قیمت وسود اداره می گردد، درست مانند کار صنعتی، واین فرایند اختلافات در شیوه های زندگی اجتماعی میان مردم شهری و روستایی را کاهش می دهد.

در شهرنشینی امروزی، به گفته هاروی، فضا دائماً تجدید ساخت پیدا می کند . این فرایند به وسیله مکانی که شرکت های بزرگ برای استقرار کارخانه هایشان، مراکز توسعه وتحقیق و غیره انتخاب می کنند، کنترل هایی که حکومت ها هم برزمین وهم برتولید صنعتی برقرار می کنند، وفعالیت های سرمایه گذاران خصوصی که به خرید وفروش زمین و خانه می پردازند،تعیین می شود.(گیدنز،۱۳۷۷).

جرالد ستلز[۱۱] هم نابسامانی شهری را قبول ندارد ومدعی است که نظم اجتماعی در شهر وجود دارد اما با مشاهده عمیق ودقیق می توان آن را کشف کرد. ستلز پس از مشاهده محلات فقیر نشین شیکاگو و مطالعه ان نواحی قویا اعلام کرده است که بوجود یک نظم اخلاقی در آنجا پی برده است . نکته مهم تحقیقات ستلز این است که علی رغم جدایی اکولوژیکی،نهادی و فرهنگی چهار گروه قومی ایتالیایی، سیاه،مکزیکی، پورتوریکویی منطقه فقیر نشین مورد مطالعه این جدایی و تقطیع کاملا منظم و سازمان یافته است(بااوش،۱۳۸۴).

رابرت ازرا پارک[۱۲] (۱۸۶۴-۱۹۴۴) پیشگام مطالعات‌مستقل جامعه‌شناختی شهری در آمریکا، شهر را جغرافیای محل‌سکونت انسان‌های منجمد و موزائیک‌وار می‌داند که بهم نزدیکند، اما هیچ رابطه‌ای با یکدیگر ندارند (صدیق، ۱۳۶۹:۲۰۰).

پارک برآن بود که شهر نظامی است از افراد و نهادهای وابسته به هم که باید به مثابه یک نظم فضایی مورد مطالعه قرار بگیرد. در پهنه شهری ما با موزائیکی از گروه های بسیار متفاوت روبه رو هستیم که هریک دارای فرهنگ، تاریخچه ومنافع خاص خود هستند و براساس فرایندهای ویژه ای وارد رقابت های اقتصادی برای تملک و از آن خود کردن فضا می شوند. «پهنه طبیعی» از مفاهیمی است که پارک مطرح کرد. پارک پهنه طبیعی شهری را بخشی از شهر (یک محله) می داند که بدون وجود طرحی از قبل، پدید آمده باشد و کارکردی خاص در مجموعه شهری داشته باشد. پهنه طبیعی دارای تاریخ طبیعی یعنی ناشی از حرکات طبیعی نیزهست. این پهنه ها براساس تعلق های فرهنگی، اجتماعی یا موقعیت ها افراد را در مرحله توزیع می کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

بدین ترتیب پارک براین نکته تأکید داشت که در شهر ما با فرایندهای دائم تقسیم فضا به پهنه های تفکیک شده روبه رو هستیم . پارک رویکردی داروینی به زندگی اجتماعی دارد یعنی به تعارض برای بقا در پهنه های جغرافیایی اشاره می کند که در آن انواع گوناگون در حال زندگی هستند.این انواع، در واقع همان جماعت های شهری هستند که پارک چندین خصوصیت برای آن ها بر می شمارد:

۱.جماعت ها، جمعیت هایی هستند که به شکل سرزمینی سازمان می یابند؛۲.جماعت ها، کمابیش دارای ریشه ای در پهنه جغرافیایی خویش هستند؛۳.جماعت ها، واحدهای فردی درون خود را در رابطه ای متقابل با یکدیگر قرار می دهند که درآن باید بیشتر نوعی همزیستی مشاهده کرد تا یک شکل جامعوی.

جامعه انسانی بر اساس دو سطح سازمان یافته: یک سطح زیستی ویک سطح فرهنگی استواراست. در سطح زیستی اصل رقابت ودر سطح فرهنگی، اصل ارتباط وسازش است . نظم اجتماعی را باید سلسله مراتبی از سطوح زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی از کوچک به بزرگ دانست. در محیط شناسی انسانی کنش متقابل میان چهار عامل دیده می شود که عبارتنداز:

۱.جمعیت؛۲.اشیا(فرهنگ فناورانه)؛۳.رسوم وباورها (فرهنگ غیرمادی)؛۴.منابع طبیعی .

این چهارعامل باعث می شوند که درآن واحد هم توازن زیستی و هم توازن اجتماعی حفظ شود(فکوهی،۱۳۸۶:۱۸۴).افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل ونقل وارتباطات شهری در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با دو عنصر تراکم و تحرک جمعیت،زایل کننده انگیزه های همسایگی است. و به نظر پارک همین عناصر (تراکم وتحرک جمعیت) مترادف با حضور جرم واختلافات روانی اند و شاخص های مناسبی برای اندازه گیری نا بهنجاری های شهری هستند.بنابراین رشد شهرها همراه است با جایگزینی روابط غیرمستقیم و ثانوی بجای روابط مستقیم و چهره به چهره انسان های شهرنشین.

همان نیرویی که همسایگی را در جامعه شهری از بین می برد، گروه های اولیه را نیز منهدم می کند. هر عاملی که تحرک را زیاد کند، مثل رشد امکانات حمل ونقل ونظام ارتباطات برحیات گروه اولیه اثر معکوس دارد. رشد سواد و تعلیم وتربیت، روزنامه را جایگزین گفتگوهای بین اشخاص می کند. تلاش برای تأمین منافع شخصی، زائل کننده رفتار احساساتی است . البته دراین جا، پول ابزار اصلی است زیرا که ارزش ها را عقلانی ومنافع را جایگزین عواطف می نماید و بنیان همبستگی اجتماعی را نیز به همین شکل وترتیب تغییر می دهد.

رودریک مک کنزی[۱۳]مک کنزی پژوهشگر دیگری از مکتب شیکاگو، بوم شناسی انسانی را «مطالعه روابط فضایی وزمانی انسان ها در اثر عوامل گزینش،توزیع و سازگاری وابسته به محیط» تعریف می کند. او مطالعه عوامل ارثی وزیست شناختی را کنار گذاشته، ولی امکان نوآوری وتحرک خاص انسان در مقابله با محیط اش را منظور می کند. این بررسی دگرگونی اجتماعی محلی به سیکل های تعادل میان جمعیت و منابع مبتنی است . درحالی که می دانیم استقرار صنایع جدید یا نوآوری های مرتبط با آن، وسایط حمل ونقل می توانند این تعادل را به هم بزنند.

او در نظریه خود از نظام توزیع ورشد تهاجمی درگیاهان استفاده می کند. برای آن که تهاجم شهری صورت بگیرد باید شکافی ایجاد کند ودر ضمن باید شرایط مناسبی نیز برای تهاجم به وجود آمده باشد. شکاف ها می توانند حاصل این موارد باشند:

Archive of SID

www.SID.ir

۱.تغییر مسیرهای حمل ونقلی؛۲.تراکم یافتن ساخت وسازهای عمومی؛۳. استقرار صنایع یا خدمات جدید؛۴. کاهش سطح کیفیت،نوسازی یا بازسازی محله ها.

مک کنزی نظریه محیط شهری خود را به خصوص با مفاهیم زیر مشخص می کند: ۱-توزیع محیط شناختی : توزیع فضایی انسان ها وفعالیت های انسانی در فضا که خود حاصل کنش متقابل ورقابت کمابیش آگاهانه،پویا وحیاتی میان واحدهای یک مجموعه است.

۲-واحد محیط شناختی: هریک از اشکال توزیع محیط شناختی چه به صورت مسکونی، چه به شکل مغازه ها،صنایع وغیره نکه بتوان آن را با حداقلی از مشخصات از توزیع های پیرامونی تفکیک کرد.

۳-هیئت محیط شناختی: مجموعه ای از واحدهای محیط شناختی که بریک محور یگانه تجمع یافته باشند.

۴-تحرک: تغییر دراشکال ثابت، تحرک معیاری برای سنجش هرگونه نرخ تغییر فرهنگی یا فناورانه در پهنه های شهری است و می توان آن را در تغییرمحل سکونت، تغییر شغل،تغییر در هر نوع از خدمات شهری دیگر مشاهده کرد.تحرک را باید از شناوری تفکیک کرد.

۵-شناوری:حرکت هایی که (بدون ایجاد تغییر) در موقعیت محیط شناختی انجام می گیرند. شناوری از طریق حمل ونقل و ارتباطات افزایش می یابد و به نسبت معکوس با تحرک تغییر می کند. زاغه ها، متحرک ترین وکم شناورترین بخش های شهر هستند.

۶-فاصله محیط شناختی: این فاصله معیاری برای سنجش شناوری است که برحسب زمان/ هزینه و نه برحسب فضا یا فاصله فیزیکی محاسبه می شود. رشد یک شهر و ساختار آن تا اندازه زیادی بستگی به کارکردهای فاصله محیط شناختی دارد به صورتی که می توان مشاهده کرد وجود داده های جمل ونقلی ارزان قیمت و سریع شهر را درهمان جهت گسترش می دهند.

۷-عوامل محیط شناختی: تغییر روابط فضایی میان انسان ها که نتیجه کنش متقابل تعداد زیادی از نیروهای مختلف است. برخی از این نیروها معنایی عام درسراسر پهنه فرهنگی مورد عمل خود دارند وبرخی دیگر تنها درنقاط خاصی عمل می کنند. عوامل محیط شناختی در چهار گروه قابل طبقه بندی هستند:۱)جغرافیایی؛۲)اقتصادی ؛۳) فرهنگی وفنی ؛ ۴) سیاسی وخدماتی. عوامل محیط شناختی منفی یا مثبت هستند یعنی یا جاذب مردم هستند ویا دافع آن ها.

۸-فرایندهای محیط شناختی: این فرایندها گرایش های متفاوتی هستند که درتجمع اشکال فضایی واحدهای محیط شناختی و توزیع می توان مشاهده کرد وشامل پنج فرایند اصلی می شوند:۱)تراکم؛۲) تمرکز؛۳) تفکیک؛۴) تهاجم ؛۵) جایگزینی.

۹-تراکم منطقه ای:گرایش فزاینده شمارهر چه بزرگ تری از مردم به اسکان یابی دریک پهنه یا منطقه خاص . این تراکم را برحسب تراکم جمعیتی می سنجند.

۱۰-تخصصی شدن منطقه ای: فرایندی که خود حاصل ونتیجه ناگزیر تفاوت در منابع است به صورتی که هر پهنه یا منطقه ای نسبت به دیگر پهنه ها یا مناطق دارای مزیت های نسبی بیشتر شده و درآن ها تخصص می یابد. تخصصی شدن دومعنی دارد: نخست آنکه سبب وابستگی متقابل میان پهنه های تخصصی شده می شود ودوم آنکه سبب توزیع افراد بنابر نیازهای فکری، فرهنگی و فیزیکی هر پهنه تخصص یافته می شود.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۱-پراکندگی : حرکت معکوس با تراکم به صورتی که تراکم دریک پهنه،سبب پراکندگی در پهنه ای دیگر می شود.

۱۲- تمرکزیابی: تمرکزیابی حرکتی مشابه تراکم است با این تفاوت که درتمرکز با تراکمی روبه روییم که دارای یک مرکز ویک محیط است. تمرکز به دوصورت انجام می گیرد که هردو فرایندهای انباشت یابنده اند: ۱) از طریق افزایش شمار وتنوع علاقه مندی ها دریک محل مشترک، و ۲) از طریق افزایش شمار مردمی که دریک نقطه خاص به رضایت می رسند.

۱۳-گونه های مرکز: نقاط تمرکز را می توان بنا برمعیارهای مختلف طبقه بندی کرد: ۱) براساس ابعاد واهمیت نقطه،مثلاً براساس ارزش زمین وتراکم آن؛۲) براساس علاقه مندی غالب که سبب تمرکز شده است؛۳) بر اساس فاصله یا پهنه جوزه های مشارکت.

۱۴-مکانیابی و حرکت مراکز:تمرکز تابعی است از حمل ونقل وارتباطات.اغلب مراکزنسبت به گرایش های توزیع و تفکیک اهالی محلی حساس هستند وبنابر آن مکانیابی یا تغییر مکان می دهند.

۱۵-تمرکززدایی: تمرکززدایی را درواقع باید یکی از مراحل فرایند تمرکز یابی دانست . زمانی که تراکم در یک پهنه از لحاظ ابعاد به دلیل پراکندگی کاهش می یابد،با تمرکز زدایی روبه رو می شویم که درعین حال سبب پیدا شدن مراکز علاقه مندی متعدد اما کوچک تری می شود.

۱۶- بازتمرکزیابی: مرحله دیگری از تمرکزیابی که زمانی رخ می دهد که یک مرکزبزرگ تر در اثر تجمع مراکز دیگری که به دلیل افزایش مردم یا بنگاه ها، به هم پیوسته اند، تشکیل می شود.

۱۷-تفکیک :تفکیک حاصل ترکیبی از نیروهای گزینش شده به نحوی است که تراکمی از گونه هایی خاص از جمعیت (قومی،اقتصادی،...) در پهنه های خاصی از جماعت به وجود می آید.

۱۸-تهاجم: تهاجم به حرکتی تجمعی از یک گروه در پهنه گروه دیگراطلاق می شود. این امر زمانی اتفاق می افتد که یک پهنه تفکیک شده وارده پهنه دیگری که عموماً همجوار خود آن است می شود.

۱۹- جایگزینی: جایگزینی بخشی از چرخه ای است که بخش دیگر آن تهاجم است . در جماعت های انسانی عموماً اشغال و جایگزینی یکی پس از دیگری دیده می شوند. منظور از جایگزینی تغییر کامل گونه های جمعیتی میان مرحله نخست و مرحله نهایی است.

۲۰- ساختار:الگوهای مسکونی ورفتاری موجود که تأثیر زیادی برالگوهای مسکونی ورفتاری بعدی دارند (فکوهی،۱۳۸۶:۱۹۰-۱۹۳).

هومرهایت[۱۴] (۱۹۳۹)در الگوهای حرکت همسایگی های اجاره ای مسکونی، که الگوی گسترش قطاعی شهر را مطرح می کند وآن را در مقابل نظریه گسترش براساس دوایر متحدالمرکز برگس قرار می دهد(فکوهی،۱۳۸۶:۲۲۳).

وی معتقد است که شهرها به صورت قطاع تقسیم بندی می شوند نه به صورت دوایر متحدالمرکز و هرقطاع (محله) توسط فعالیت های اقتصادی متفاوت مشخص می شود.کل شهر می تواند به عنوان یک دایره در نظر گرفته شود که بخش های مختلف آن به صورت قطاع هایی از مرکز آن به خارج کشیده شده اند.

Archive of SID

www.SID.ir

انیس دانکن و آلبرت رایز : تحقیقات انیس دانکن‌و آلبرت رایز ادعای جبرگرایان اکولوژیک در مورد تنهائی و انزواطلبی شهرنشینان را تأیید نکرده است .ایشان با مقایسه الگوهای روابط عاطفی در مناطق شهری و روستائی به این نتیجه رسیدند که گرچه نسبت تماس‌های عاطفی شهرنشینان به کل تماس‌هایی که در محیط شهر دارند مسلماً کمتر از همین نسبت برای روستائیان است اما از آنجائیکه تعدادتماس‌های شهریان به مراتب بیش از تعداد تماس‌هایی است که روستائیان برقرار می‌کنند، بنابراین قدر مطلق تعداد تماس‌های دوستانه و روابط اولی شهرنشینان بسیار بیش از تماس‌های روستائیان است.

کلود فیشر[۱۵] گوناگونی شهری مورد ادعای هربرت گنز ـ براساس عواملی چون سن، سطح درآمد و منزلت خانوادگی ـ را تأیید می‌کند و آنرا واقعی می‌داند، اما مدعی است که این واقعیت‌ها در شهر به تبع متغیرهای اکولوژیک‌خاص‌شهر ـ که لوئیس‌ورث مطرح کرده است ـ شدتی دارد که در هیچ‌جغرافیای دیگری‌یافت نمی‌شود.

دیدگاه فیشر که به نظریه خرده فرهنگی معروف شده است، سنتزی است از نظریات جبرگرایان اکولوژیست و ترکیب‌گرایان که بین تاکید جبرگرایان (مخصوصاً لوئیس ورث) بر تاثیر عوامل اکولوژیک شهری بر انسان‌های شهرنشین و تاکید ترکیب‌گرایان (بویژه هربرت‌گنز) بر ویژگی‌های خرده فرهنگی شهرنشینان تعادلی ایجاد کرده است و هر دو دسته ویژگی‌های فوق‌الذکر را در شکل دادن به شیوه زندگی شهریان موثر می‌داند.

خرده فرهنگ‌گرایان معتقدند که جمعیت زیاد شهرهای بزرگ، موجب تقسیم کار پیچیده و تاسیس نهادهای اجتماعی و تشکیل گروه‌های هم سود مختلف و تشدید هویت‌های خرده فرهنگی می‌گردد، انسان شهری در گروه‌های اجتماعی متعددی عضویت دارد و اعضای هر گروه ویژگی‌های مشترک نسبتاً بارزی نظیر قومیت یا اشتغال دارند و مایلند با دیگر همفکران و اعضاء گروه خود ارتباط برقرار نمایند. بنابراین تفاوت‌های بین روستائیان و شهرنشینان سوای شرایط اقتصادی، قومی و امثال آن علل دیگری ـ مثل عوامل اکولوژیک ـ نیز دارد .

براساس نظریه خرده فرهنگی تنوع در شهر، اندازه، تراکم و ناهمگنی محیطی زمینه‌های لازم برای ایجاد خرده فرهنگ‌ها را فراهم می‌سازد. قبلاً نیز گفته شد که شبکه‌های اجتماعی در شهرها گسترش می‌یابند و شهرنشینان قادرند تا از بین این شبکه‌ها، آنهائیکه خوشایندترند را انتخاب کنند. شهرها نه تنها نیازهای زیادی را برای ایجاد خرده فرهنگ‌ها خلق می‌کنند بلکه شرایط اولیه را فراهم می‌سازند. که در این شرایط خرده فرهنگ‌ها بتوانند دنیای متفاوتی برای خودشان داشته باشند. این خرده فرهنگ‌ها که شاید بتوان آنها را اجتماع نامید. فرهنگ، زبان، غذا، مدارس، کلیسا و بیمارستان مخصوص به خودشان را دارند. به نظر فیشر شهرها پر از آدمهایی هستند که در پیوندهای پیچیده با خرده‌فرهنگ‌های مختلف قرار دارند(صدیق سروستانی،۱۳۸۳:۳۴-۳۵).

سوزان تامسون از دیدگاه تحولات اجتماعی، فرهنگی و انسان شناسی به بررسی و تحلیل کلان شهر پرداخته است. او برای بیان نظریاتش از مفهوم «شهر چند لایه» استفاده کرده است. به نظروی «شهر چند لایه» مفهوم جدیدی برای توصیف وضعیت شهرها در آغاز سده بیست ویکم است. شهر چند لایه مفهومی مرکب و پیچیده است که نشان می دهد کلان شهرهای معاصر، هم از نظر اجتماعی و فرهنگی، و هم از نظر ساختار خصلت چندگانه و چندلایه پیدا کرده اند. این شهرها با پدیده «چند فرهنگی» و «چندگانگی» روبرو هستند که از مهاجرت و تنوع نژادی، قومی،دینی، زبانی، شیوه زندگی و وجود اقلیت ها و گروه های مختلف اقتصادی – اجتماعی تأثیر پذیرفته است. شهر چندلایه از نظر فضایی –

Archive of SID

www.SID.ir

فرهنگی دارای تنوع، اختلاف، آشفتگی و نظم، جذابیت و هیجان،تساهل واحساس تعلق است. دراین شهرها عواملی همچون جنسیت، نژاد، قوم ونظایر این ها نقش موثری نسبت به طبقه ایفا می کنند. در عین حال شهر چندلایه بستر ظهور تعارضات، جدایی اجتماعی و خرده فرهنگ های متفاوت است . برنامه ریزی و مدیریت در شهرهای چند لایه با چالش های زیادی مواجه است . موضوعات مهم در این زمینه عبارتند از: بازنگری در دیدگاه های اجتماعی مربوط به اقلیت های قومی و نژادی،زنان، افزایش عدالت وبرابری اجتماعی و توانمند سازی گروه های کم درآمد(ربانی،۲۱۴:۱۳۸۳).

تعریف مفاهیم

شهر: برای تعریف شهر، شاخص جمعیت مناسب به نظر می رسد. درحالی که معیار جمعیت شهری ار کشوری به کشور دیگر بسیار متغیر است . تفاوت های تعریف شهر بازتابی از درجهٔ شهرنشینی است . شاخص جمعیت معیار رضایت بخشی نیست، مگر این که حدود فیزیکی شهر به دقت تعیین شده باشد، واین در حالی است که حدود فیزیکی شهر به مرور زمان تغییر می کند. از ۱۹۶۲«موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی» واحد شهری را چنین تعریف می کند: " مجموعه یک یا چند کمون که منطقه مسکونی اش حداقل ۲۰۰۰ نفر سکونت دارند و دراین منطقه فاصله ساخت وسازها از همسایه شان کمتر از ۲۰۰ متر است(نیک گهر،۱۴:۱۳۸۳).شهر، تجمع دائمی انبوه عظیمی از انسانها در فضایی معین‌است که به صورت یک مرکز زندگی اجتماعی بسیار پیچیده‌درآمده است(توسلی، ۱۳۷۴: ۵).

فضا : فضا از نظر لغوی به معنی گشادگی، میدان و عرصه است.(لغتنامه دهخدا) از منظر این رساله فضـــا همان فضای تعریف شده سنتی توسط یک معمـــار، به معنی فضای معماری ساختمانهای طراحی شده، نمی باشد بلکه فضـــا، فراتر از تولید شدن و استفاده شدن، چیزی است که بواســـطه فعالیتهای روزانه اشغال شده و تغییر می کند. جغرافیدانان مارکسیستی مانند دیـــوید هـــاروی۱۶ و ادوارد ســـوجا۱۷ معتقد هستند که فضااز لحاظ اجتماعی تولید میشود بدین معنی که نتیجه فرآیند های اجتماعی بوده و در عین حال، همان فضا پیش شرط تولید یک محصول اجتماعی می باشد(Harvey, 1989).

انسان شناسان برسر اینکه فضا بصورت مادی و فرهنگی تولید میشود و همچنین در مورد نقش معماری به عنوان یکی از ابزارهای تولید فرهنگی بحث و جدل می کنند. آنها استدلال می کنند که فضا – همجنس با فرهنگ- درونی و راکـــد نبوده و اگرچه بصورت هندسی اندازه گیری میشود اما به عنوان یک جز لازم و بخش متغییر در زندگی روزانه افراد جای دارد(Antony,1980).

فضـــا، زمانـــی که محدود و شکل پذیر میشود و پیش زمینه خنثی ندارد ســـازماندهی اجتماعی را انعکاس می دهد. برای مثال حضور دوازده نفردریک اتاق کوچک مثل حضـــور افراد زیاد درسالنی بزرگ نیستند یا اینکه چیدمان صندلیها بشکل گرد نسبت به حالت مربع تاثیرمتـــفاوتی دارد(Goffman, 1979) .

فضای شهری: کولکوهن(۱۹۸۹:۲۲۳) واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی (تداعی فضایی نهادهای اجتماعی)است که مورد مطالعه مورد مطالعه جامعه شناسان و جغرافی دانان می باشد.

فضاهای شهری ویژگیهای کالبدی و کارکردی متفاوتی در دوره های مختلف و بسترهای جغرافیایی و فرهنگی متفاوت به خود گرفته اند و از این روی تعاریف گوناگونی نیز از آنها به عمل آمده است. نگاهی به این تعاریف و

Archive of SID

www.SID.ir

دیدگاهها برای استخراج ابعاد مختلف یک فضای شهری نشان از دو عامل فرم (کالبد) و ماهیت (عملکرد) فضاهای شهری است.

کالبد و فعالیت در دوره باستان یکی است، اما در اواخر قرن هجدهم متفاوت از یکدیگر است. در این دوره شهر و فضاهای شهری کانون اندیشه ها، عواطف و احساسات بشری است. و از اواسط قرن بیستم تاکنون مفهوم فضای شهری به گونه دیگری است:

"فضای شهری به ترکیبی اطلاق می شود که از فعالیت ها، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و عناصر و اجزای شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم و زیبایی و بالطبع با ارزش های بصری تشکیل می گردد و از نظر فیزیکی دارای بدنه ای محصور کننده می باشد. بعبارتی فضای شهری جزئی از یک شهر است که بعنوان عرصه عمومی، تجلی گاه فعالیتهای شهری است."

بدین ترتیب در حال حاضر هرگونه فضایی را نمی توان فضای شهری قلمداد نمود؛ چرا که فضای شهری دارای ویژگیهایی ارتباطی بوده و بخشی از ارگانیسم زنده شهر است که با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فنی در حال تغییر، مرتبط است و در غیر این صورت بجز حفره ای در میان ساختمانها و سایر اجزای شهری نخواهد بود.

با این تعاریف فضای شهری امروزی حاصل نگرش توام به هر دو بعد فرم (کالبد) و عملکرد (محتوا) ست و ضرورتاً "فضای شهری را نه فقط باید از طریق ویژگیهای زیبایی شناختی آن بلکه باید از طریق تحلیل مشخصه های محتوای آن مورد بازشناسی قرار داد." بنابراین در بررسی و تحلیل تاثیرات آن نیز این دو فاکتور ملاک عمل خواهد بود(فتحی،۱۳۸۹). ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیتهای انسانی است(زوکر، ۱۹۵۹). ساختاری که نمودار اهداف انسان ارگانیک رااز حیث عملکردی و طراحی در نظر بگیرد فضای شهری است (مامفورد به نقل از حبیبی، ۱۳۷۵)، فضای شهری جزئی است لاینفک از ساخت (اصلی) شهر و از دو عنصر اساسی میدان و خیابان تشکیل می‌گردد (توسلی، ۱۳۶۷)، فضای شهری از دو عنصر اساسی میدان و خیابان شکل می‌گیرد (کریر، ۱۳۷۵).

کنش اجتماعی: کنشهای اجتماعی عمل و عکس العمل افراد را در بر گرفته و روی وقایع آن تعدیل میشود و با گرایشهای فکری سازمان می یابد و رو به سوی هدفی دارد(گی روشه،۱۳۷۹ :۴۵،اوحدی،۱۳۸۰: ۹۰) و در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فر هنگی شامل اشکال گوناگون : ۱ـ خدمات اجتماعی ۲ـ تعلیم و تربیت اجتماعی ۳ـ تغییر و دگرگونی ۴ـ آگاهی دادن اجتماع ۵- حمایت و وکالت ۶ـسازماندهی انجمن واجتماع، می باشد(Hardaway,2008)که در زندگی انسانها نقش به سزایی دارد .

روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، بر مبنای روش توصیفی – تحلیلی است. بر اساس اهداف تحقیق و در راستای پاسخ به مسئله تحقیق، سعی می شود ابتدا بر اساس مبانی نظری، ویژگی و مقوله اصلی فضای شهری مدرن شناسایی شود و سپس با تحلیل مناسب رابطه بین فضای شهری و روابط اجتماعی تشریح شود. شیوه گردآوری اطلاعات عمدتا بر مبنای روش مطالعات کتابخانه ای و بررسی اسناد و مدارک و تحقیقات استوار است.

Archive of SID

www.SID.ir

بحث و نتیجه گیری

از انجا که شهر محل تجمع افراد، آشنا و غریبه می باشد و در تعامل نیازی به ایجاد روابط اجتماعی می کنند که ماحصل این روابط تراکم اخلاقی و تراکم مادی در فضای های انسان ساخت شهری است بطوریکه مشارکت شهروندان در تولید ارزشهای مشترک نمود عینی پیدا کرده است و از طرف دیگر تراکم مادی در شهرها هر روز متراکمتر می شود یعنی نسبت جمعیت به مساحت باعث محدود شدن فضای شهری شده است، بطوریکه دورکیم (۱۸۹۵) معتقد است که تراکم مادی باعث افزایش تراکم اخلاقی نمی شود چرا که راه ها و شبکه خطوط راه آهن و متروی شهری و همچنین بازارها و نظایر آن ها بیشتر مایه رونق کسب و کار می شوند تا همجوشی و نزدیکی جمعیتی ها و نتیجه تراکم اخلاقی به تراکم فیزیکی می انجامد ولی تراکم فیزیکی به تراکم اخلاقی منجر نمی شود.

بنابراین وجود تجمعات جمعیتی مثل شهرها یا محله های سکونی جدید،با وجود تراکم فیزیکی موجب ارتقای سطح زندگی اجتماعی نمی گردد توسعه فیزیکی فضای شهری بدون توجه نیازهای فرهنگی اانسانها که در اکثر شهر سازیها و شکل دهی فضاهای شهری مشاهده می شود و به فضایی تبدیل خواهد شد که در آن تراکم اخلاقی شکل نخواهد گرفت چنانچه به بافت های سکونی قدیمی و شکل آنها دقت شود می بینیم که روابط اجتماعی گرمی در آن محله ها حاکم است و مجاورت اجتماعی در آن محله معنی و مفهوم دارد درک متقابل انسانی و همچنین پاسخگویی به نیازهای انسانی در گروه توجه به الگوها و الزامات فرهنگی اجتماعاتی که از آن فضاهای بهره مند خواهند شد می دانیم که فضاهای شهری خود تولید کنند. فرهنگ و فرهنگ تولید کننده فضاهای شهری هستند چنانچه در تولید یک فضای شهری بی سازمانی فضایی حاکم باشد و بی نظمی اجتماعی از آن تولید شود در آن صورت وا گرایی مجاورت مکانی و مجاورت اجتماعی شکل خواهد گرفت و کیفیت و مطلوبیت زندگی آن فضا در پیچ و خم دیالتیک این دو از بین خواهد رفت و ساکنین عدم احساس مطلوبیت زندگی و کسب آن را خواند داشت چنانچه به تونیس معتقد شهر نشینی مرحله گذار از اجتماع (گمینشافت)مبتنی بر علقه های خونی به جامعه (گزلشافت)سازمان یافته مبتنی بر قرار می باشد یعنی در آن عقلانیت حاکم است در آن مطالعه و علم و نگاه عالمانه در مسیر و مرحله گذاری از روابط احساس به روابط عقلانی است

جبرگرایان، مدعی‌اند که شهر پیوندهای اجتماعی را تضعیف می‌کند، اهمیت شبکه‌های روابط اجتماعی نخستین را کاهش می‌دهد و با جایگزین کردن نهادهای ثانوی در روابط انسانی موجب بروز بی‌هنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود.

نتیجه آنکه صاحبنظران جبرگرائی اکولوژیک مدعی‌اند که نابسامانی اجتماعی، فشار، بیگانگی، فردگرائی، بی‌عاطفی و بی‌هویتی همه پدیده‌های شهرند و شهرگرائی در سطح روانشناختی، نظام عصبی را تهدید می‌کند و نهایتاً به جدائی افراد از یکدیگر و از بین رفتن روابط صمیمانه بین شهروندان می‌انجامد.

اما بر خلاف جبرگرایان، ترکیب‌گرایان اظهار می‌دارند که تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی شهری‌ها و غیر شهری‌ها (چندان) ارتباطی با جغرافیای محل سکونت ایشان، اندازه، تراکم و ناهمگونی جمعیت ندارد، و به ترکیب عواملی چون سن، شغل، میزان تحصیلات و میراث قومی و فرهنگی گروه‌های شهرنشین مربوط می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

از سوی دیگر طرفداران نظریه خرده فرهنگی که سنتزی از دو دیدگاه فوق‌الذکر را پذیرفته‌اند، معتقدند که زندگی در شهرهای بزرگ تاثیراتی متفاوت از فضای غیرشهری بر شبکه‌های روابط اجتماعی شهرنشینان می‌گذارد. اندازه، تراکم جمعیت و ناهمگونی فرهنگی شهرنشینان، ویژگی‌های خرده فرهنگی ایشان را تشدید می‌نماید.

بر طبق دیدگاه خرده فرهنگ‌گرایان شهرنشین بدلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌تواند و نه می‌خواهد با هر کس که می‌بیند باب دوستی و ارتباط را بگشاید و در واقع خود را موظف می‌داند که هر وقت ضرورت ایجاب کند، تنها در مقابل عده خاصی عکس‌العمل نشان دهد و دیگران را فراموش نماید(صدیق سروستانی،۱۳۸۳).

دست آوردهای مطالعه نشان می دهد فضای اجتماعی نوع شبکه روابط اجتماعی خاص خود را بوجود می آورد. بطوریکه اگر دو فضای اجتماعی سنتی (اجتماع) و فضای اجتماعی مدرن (جامعه) را از هم تمیز دهیم، محصول فضای اجتماعی سنتی روابط اجتماعی سنتی، ساده، عمیق، عاطفی و مکانیکی است و این در حالی است که محصول فضای اجتماعی مدرن، که این فضا عمدتا در شهرها بروز و ظهور می کنند، روابط اجتماعی مدرن، پیچیده، سطحی، عقلایی و ارگانیکی است. در این بین آنچه حائز اهمیت و به عنوان ویژگی فضای شهری مدرن، روابط اجتماعی را متحول و دگرگون می سازد. مقوله تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، شبکه های اجتماعی مجازی، رسانه ها است. نتیجه نهایی اینکه روابط اجتماعی پایدار محصول فضای شهری پایدار است که خود این فضاهای شهری تحت تأثیر مقوله تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می باشد.

پی نوشت‌ها

1.Tonnies
2.Georg Simmel
3.Emile Durkhaim
4.Louis Wirth
5.Herbert Gonz
6.Henry Sumner Maine
7.Karl Marx
8.Engels
9.Max Weber
10.David Harvey
11.Gerald Suttles
12.Robert Ezra Park
13.Roderick D. Mc kenzie
14.Homer Hoyt
15.Claude Fisher
16.David Harvey
17.Edvard Soja

منابع

۱. آتشی، محمد(۱۳۸۴). بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی آپارتمان نشینی مطالعه نظری همراه با بررسی میدانی در مجتمع مسکونی دهکده المپیک، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی،تهران،

۲. با اوش، معصومه(۱۳۸۴)، بررسی روابط متقابل آپارتمان نشینان شهر تهران(منطقه ۱۵،شهرک جمهوری اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران،

۳. ببی، ارل(۱۳۸۴)، **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه رضا فاضل، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)، چاپ دوم،

۴. پراینده، فرشته(۱۳۸۰)، بررسی مسائل و مشکلات ارتباط همسایگی در ساختمان های بلند، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران،

۵. پیران، پرویز(۱۳۷۵)، **جامعه شناسی شهری**، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی،

۶. توسلی، غلامعباس(۱۳۷۳)، **نظریه های جامعه شناسی**، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)،

۷. توسلی، غلامعباس(۱۳۸۳)، کارکرد نهادهای محله ای در امنیت اجتماعی، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، تهران،

Archive of SID

www.SID.ir

۸. حضرتی صومعه، زهرا(۱۳۸۱)، بررسی جامعه شناختی آسیب های اجتماعی و فرهنگ آپارتمان نشینی در شهرک اکباتان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران،

۹. خشتی، محسن(۱۳۷۸)، **معیارها و ضوابط مطلوب در تعیین محله شهری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران،

۱۰. دواس، دی . ای.(۱۳۷۶)، **روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی**، ترجمه مریم رفعت جاه و رخساره کاظم، تهران، مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی، چاپ اول،

۱۱. دسوان، آبرام(۱۳۸۲)، **در آمدی بر جامعه شناسی انسانی**، ترجمه جعفر نجفی زند، تهران، نشر دوران،

۱۲. ربانی، رسول(۱۳۸۱)، **جامعه شناسی شهری**، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)، چاپ اول،

۱۳. ساروخانی، باقر(۱۳۷۰)، **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، نشر کیهان،

۱۴. ساوج، مایک(۱۳۸۰)، **جامعه شناسی شهری**، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)،

۱۵. صدیق سروستانی، رحمت اله(۱۳۸۳)، **بررسی و تحلیل روابط همسایگی در شهر تهران**، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران،

۱۶. صدیق سروستانی، رحمت اله(۱۳۷۳)، **جامعه شناسی شهری**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،

۱۷. صدیق سروستانی، رحمت اله(۱۳۶۹)، انسان و شهرنشینی، **نامه علوم اجتماعی** شماره ۴، تهران،

۱۸. طیب، جمیل(۱۳۷۰)، **واژه نامه فلسفه علوم اجتماعی**، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، انتشارات سهامی،

۱۹. فتحی،سروش(۱۳۸۹)، **جامعه شناسی فضای شهری تبیین جامعه شناختی طراحی فضای شهری پایدار مطالعه موردی شهر تهران** ، تز دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم وتحقیقات

۲۰. فکوهی، ناصر(۱۳۸۶)، **انسان شناسی شهری**، تهران، نشر نی، چاپ چهارم،

۲۱. فیالکوف، یانکل(۱۳۸۳)، **جامعه شناسی شهر**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر آگه،

۲۲. کفاشی، مجید(۱۳۸۶)، تأثیر توسعه پایدار شهری بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر تأثیر عوامل اجتماعی – فرهنگی توسعه پایدار شهر ی بر انتخاب محله مسکونی، رساله دکتری جامعه شناسی،

۲۳. کیهان زاده، آرش(۱۳۸۰)، بررسی زندگی در مجتمع های مسکونی بلند مرتبه، پایان نامه کارشناسی ارشد شهر سازی، دانشگاه علم و صنعت،

۲۴. کیوی، ریمون(۱۳۸۴)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا، چاپ اول،

۲۵. گیدنز، آنتونی(۱۳۷۷)، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی،

۲۶. معظمی، شهلا(۱۳۵۰)، **بررسی مسائل اجتماعی و اقتصادی آپارتمان نشینان تهران**، وزارت آبادانی مسکن واحد طرح ها و بررسی ها، دفتر بودجه و برنامه،

۲۷. نوابخش،مهرداد(۱۳۸۶).**جهانی شدن و تاثیر آن بر حوزه فرهنگی شهر.** تهران،پژوهشکده تحقیقات استراتژیک شماره ۱۱،

۲۸. وبر، ماکس(۱۳۷۵)،**شهر در گذر زمان**، ترجمه شیوا کاویانی، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم،

۲۹. شکوئی (حسین)(۱۳۶۵)، **جغرافیای اجتماعی شهرها** (اکولوژی اجتماعی شهر)، تهران، جهاد دانشگاهی،

Archive of SID

www.SID.ir

۳۰. هاروی،دیوید(۱۳۷۶). **عدالت اجتماعی و شهر**،ترجمه فرخ حسامیان و دیگران،شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری،تهران،

31. Overman ,H.G.(2000),"Neighbourhood Effects in Small Neighbourhoods", Center for Economic Performance Discussion Paper DPo481 ,London School of Economics and Political Science, London.

32. -Ross,C.E. ,Reynolds, J.R. and Geis ,K.J. (2000),"The Contingent Meaning of Neighborhood Stability for Residents' Psychological Well-being", American Sociological Review 65.

33. -Robertson, Douglas , "Neighbourhood identity: People, time and place" ,The Joseph Rowntree Foundation,2008.

34. -Rogers, lord, "Towards an Urban Renaissance", Final Report of the Urban Task Force.

Archive of SID

www.SID.ir